



جمکران کات

انگلستان و یانکی‌ها می‌خواهند در ایران کودتا کنند، و از هم اکنون بوق‌های‌شان در جمکران، از جمله «اعتماد» و «شرق»، برای پنهان داشتن دست ارباب، این کودتا را به حساب احمدی‌نژاد نوشته‌اند.

چقدر خوش‌حال شدیم که روز گذشته، در سایت فرانسه زبان نووستی به ما گفتند، «لنین» هیچ دخالتی در قتل «تزار» نداشته؛ ما هم می‌دانستیم! ایشان کارهای مهم‌تری داشتند و نمی‌توانستند شخصاً تزار و افراد خانواده‌اش را به قتل برسانند؛ یک



در راه انجام وظیفه با مشکلات فراوان روبرو می‌شوند؛ زنان زیبا به قصد کشتن آنحضرت از ایشان دلبری می‌نمایند، هر چند «جیمز» فریب نمی‌خورد. اما در فیلم‌های «باند»، زنان نیک‌منش نیز وجود دارند؛ و اکثر اوقات یک پرسوناژ مؤنث به عنوان «کمکی» جیمز باند ظاهر می‌شود و ... و در پایان حضرت «باند» با نجات جان پرسوناژ کمکی، در واقع «بدهی» خود را به او پرداخت می‌نماید. «جیمز» پس از نابودی همه دشمنان، موقتاً پرسوناژ کمکی را در سواحل دل‌انگیز مورد «تفقد» قرار می‌دهد. البته اینهمه فداکاری برای شادی دل «کوئین» است که طی ۶۰ سال اخیر تکان نخورده و گویا قرار است بزودی تکانی بخورند! از اینرو دربار انگلستان گوشه چشمی به کاتولیک‌ها نشان داده تا هیتلر آسوده بخوابد!

فرد را نمی‌توان مسئول کودتای بلشویک‌ها و پیامدهای فجیع آن دانست، بگذریم!

آنگلوساکسون‌های دو سوی آتلانتیک که «جنبش سبزشان» توزرد از آب در آمد و رسوائی‌شان به اخراج هیز اکسلنسی، «سایمون گاس» از ایران انجامید، جهت تکمیل طرح براندازی با «جیمز باند» و «کنتاکی فراید چیکن» پای به میدان گذاشته‌اند. پرسوناژ «جیمز باند» و سناریوی کلیشه‌ای فیلم‌های اش خوشبختانه برای همگان شناخته شده است. جیمز باند را به مأموریت می‌فرستند، مأموریت ایشان نابودی یک پرسوناژ پلید و ابتر کردن نقشه‌های شوم اوست. «حضرت» باند که خود را «باند، جیمز باند» معرفی می‌کنند،

بله، کوئین الیزابت نازنازی که امروز استرالیا را به مقصد لندن ترک گفتند، روز گذشته با پیراهن آبی رنگ‌شان، نشست کشورهای مشترک‌المنافع را در شهر «پرت» افتتاح فرمودند. ایشان همزمان قلاده‌سگ‌های هارشان را در سراسر جهان، از جمله در جمکران رها کردند، چرا که برنامه «بهار عرب» در تونس و به ویژه در لیبی به افتضاح کشیده و لازم است کفن‌فروش‌ها با توسل به مبهمات مقدس، از تاراجی که ارباب با شعار «حمایت از دموکراسی» صورت داده و می‌دهد حمایت به عمل آورند. به عبارت دیگر، نیاز بر این مهم است که حکومت‌های اسلامی منطقه، همچنانکه در تهران نیز شاهدیم نقش پامنبری استعمار را ایفا کنند.

روشن‌تر بگوئیم، جنایاتی را که گاوچران‌ها با شعار «حمایت از دموکراسی» و «حقوق بشر» صورت می‌دهند، جیره‌خواران‌شان با توسل به مبهمات از قماش اسلام، عدالت، مردم و مزخرفات مشابه توجیه می‌کنند. در ضمن، «الاغ - مسلمان‌های» طویله مک‌کارتی شبیه‌سازی‌های ارباب را هرگز به زیر سؤال نمی‌برند، و به همین دلیل است که شعارهای پوچ و گوساله‌پسند از قماش «اشغال وال‌ستريت» را بی‌چون و چرا و با لذت فراوان نشخوار می‌کنند. به عنوان نمونه «جکی»، امام جمعه «موقت» تهران در وقوفیه روز گذشته به بهانه حمایت از «جنبش ۹۹ درصدی‌ها» در واقع به هواداران موسوی فراخوان شورش داده و می‌گوید، «پیام مردم» نباید سرکوب شود! «پیام مردم» چیست؟ هر آنچه بوق‌های سازمان سیا بگوید!

همچنانکه شاهد بودیم در تونس، مصر و به ویژه در لیبی، همین «مردم» خواهان نشانیدن سگ بجای کله‌پز بودند. در آمریکا و اروپا نیز «مردم» می‌خواهند بازار بورس را اشغال کنند، چرا؟ در واقع معلوم نیست! ولی در ظاهر «مردم» از وضع موجود به تنگ آمده‌اند! اتفاقاً در جهان سوم هم «مردم» ناراضی‌اند! اما ناراضیتی ملت‌های جهان سوم از سیاست‌های استعمار ناشی می‌شود، و هیچ ارتباطی به دین و مذهب ندارد. همین استعمار است که با هدف تقویت کاروان‌های خردجال در کشورهای مسلمان‌نشین دست به «شبیه‌سازی» در اروپا و آمریکا زده تا وانمود کند که «همه جا مردم ناراضی‌اند» و لازم است همه جا مردم «قیام» کنند! به همین دلیل است که سازمان تبلیغات اسلامی، «ساتاس»، ضمن

استقبال از کاروان‌های خردجال حزب دموکرات، حامی «قیام وال‌ستريت» شده و سیاهی لشکر حاکمیت را «۹۹ درصد» از کل جمعیت به شمار آورده. «ساتاس» از زبان جکی تأکید می‌کند که «پیام» اینان سرکوب شدنی نیست. به گزارش «محرنيوض»، مورخ ۶ آبان‌ماه سالجاری، آخوند جنتی از سرکوب «قیام» وال‌ستريت گلایه دارد:

«[...] وی [...] به قیام وال‌ستريت [...] اشاره کرد و افزود: در این قیام ۹۹ درصد علیه یک درصد اعتراض کردند اما پیام مردم را سرکوب می‌کنند [...] این پیام سرکوب شدنی نیست [...]»

باید پرسید، «پیام» جنتی در این میانه چیست؟ «جکی» چنین القا می‌کند که تجمع علافان ینگه‌دنیا «قیامی است حسینی!» حتماً رهبرشان هم خمینی است و به ما نگفته‌اند! در هر حال، این «قیام حسینی» آنقدر مردمی و خلقی بود که حتی مورد حمایت هنرپیشه‌های میلیاردی هولیوود نیز قرار گرفت. همان‌ها که برای پیشبرد توحش مک‌کارتیسم شب‌وروز در برابر دوربین‌ها عرق شرافت می‌ریزند! پس تعجبی ندارد که آخوند جنتی و دیگر سگ‌های هار استعمار هم از «قیام» کذا حمایت به عمل آورند. و در همین راستا، هیچ تعجبی ندارد که الیزابت دوم یک جیمزباند زپرتی و زهوار دررفته را به عنوان «سفیر» به جمکران بفرستد و صالحی نیز با این «جیمزباند» فکسنی خوش و بش فرماید.

ایسنا، مورخ ۶ آبان‌ماه سالجاری در خبری با کد: ۹۰۰۸ - ۰۳۷۲۹ می‌نویسد، علی‌اکبر صالحی «چیل‌کات» را که برای تقدیم استوارنامه‌اش به وزارت امور خارجه آمده بود به حضور پذیرفت! نمی‌دانستیم در حکومت جمکران «استوارنامه» سفیر را به وزیر امور خارجه می‌دهند؛ چنین می‌پنداشتیم که در حکومت‌های بهنجار، «استوارنامه» سفیر به رئیس‌جمهور و یا رهبر حکومت «تقدیم» می‌شود. به هر تقدیر، حکومت اسلامی بنابر تعریف، ناهنجار است. اما به نظر می‌رسد، دولت انگلستان «صالحی» را به عنوان مخاطب برگزیده! چون هم صالح است هم ایرانی نیست.

صالحی که منطقاً می‌باید در جریان سوابق بسیار درخشان «چیل کات» باشد، در گفتگو با جیمزباند ضمن اشاره به تاریخچه درخشان حضور انگلستان در کشورمان خواهان اصلاح نگرش بریتانیا به حکومت اسلامی شده. جیمزباند هم قول داده دولت بریتانیا را در جریان «واقعیت‌های» حکومت اسلامی قرار دهد! به عبارت دیگر دولت انگلستان که بیش از یک سده است به غارت و سرکوب ملت ایران اشتغال دارد، قرار شده از «واقعیت» آگاه شود:

«[...] صالحی [...] با اشاره به سوابق روابط دو کشور [...] بر ضرورت اصلاح رویکرد دولت انگلیس نسبت به [حکومت اسلامی] تأکید کرد.[...] سفیر جدید انگلیس [...] نیز [...] اظهار داشت: مأموریت دارد [...] واقعیت‌های [حکومت اسلامی] را فارغ از نگاه منابع رسانه‌ای به دولت متبوع خود منتقل نماید.»

این گفتگو از هر نظر «دیپلماتیک» است! چرا که همزمان وقاحت صالحی و جیمزباند را به اثبات می‌رساند. سوابق بریتانیا در ایران جز سرکوب و چپاول و حمایت از اوباش نبوده، و حکومت اسلامی نیز جهت بقا خود بر اریکه قدرت به تداوم همین «سوابق» مقدس نیاز دارد. از سوی دیگر، «نگاه» رسانه‌های غرب، بازتاب سیاست استعماری انگلوساکسون‌هاست، در نتیجه سفیر انگلستان و دولت متبوع‌اش نه تنها با این «نگرش» بیگانه نیستند که مشوقان اصلی آن به شمار می‌آیند. در نتیجه، سخن گفتن از «انتقال واقعیت» ایران به دولت بریتانیا، آنهم خارج از چارچوب سیاست‌های لندن فقط شارلاتانیسم می‌تواند باشد. در واقع «چیل کات» به صالحی گفته، «دولت ما از طریق رسانه‌ها در جریان مسائل حکومت شما قرار می‌گیرد!» صالحی هم جواب داده: «ما که از قدیم نوکر آمریکا بودیم، حالا برای شما هم نوکری می‌کنیم.»

خلاصه کلام، هم‌میهنان گرامی! مأموریت سفیر جدید انگلستان در ایران جز عوامفریبی و انسان‌ستیزی نیست. ایشان را برای تکمیل «براندازی سبز» موسوی به تهران فرستاده‌اند، و اگر همه لوطی‌وعنترهای سازمان سیا در داخل و خارج مرزها همزمان بر طبل «براندازی» قریب‌الوقوع می‌کوبند هیچ تعجب نکنیم! به راه انداختن کاروان‌های خردجال و سازمان دادن به عملیات تروریستی

با هدف فراهم آوردن زمینه مناسب برای کودتا در ایران، خیال خامی است که انگلوساکسون‌های دو سوی آتلانتیک هنوز در کله پوک‌شان می‌پروراندند. و برای تحقق همین توهمات است که از یکسو، قلاده همه سگ‌های هارشان، از جمله «جکی» را گشوده‌اند تا مراسم ۱۳ آبان بر پا کند، و از سوی دیگر، یانکی‌ها از افتتاح «سفارت‌خانه مجازی» در تهران سخن به میان می‌آورند. این است دلیل اعزام «ویراست» نوین کلنل آیرون‌ساید به ایران.

سفیر جدید بریتانیا که «جان دومینیک چیل کات» نام دارد، به قول گورکن‌ها یک آیرون‌ساید «تراریخته» است که پیشتر در عراق مسئول خرابکاری بوده. از اینرو پیش پای ایشان، یک کشتی ایرانی که مقصدش «بوشهر» بود «به دلائل نامعلوم» غرق شد؛ سپس به همان «دلائل نامعلوم» انفجار چند بمب را در کشور عراق شاهد بودیم، و ... و روز گذشته هم پاکستان یک موشک مجهز به کلاهک هسته‌ای را با برد ۷۰۰ کیلومتر آزمایش کرد! شاید به همین دلیل بود که موهان سینگ، نخست‌وزیر هند نیز «به دلائل نامعلوم» از شرکت در نشست کشورهای مشترک‌المنافع در حضور علیاحضرت ملکه در استرالیا خودداری نمود و یک لیوان آب زرشک خنک و خوش‌خوراک برای الیزابت دوم فرستاد.

امیدواریم پیراهن آبی‌رنگ ملکه آلمانی تبار بریتانیا زرشکی نشده باشد! همچنین امیدواریم خداوند «روزی» هیلاری کلینتن را جای دیگری، خارج از «کوبا» حواله کند. چرا که با توجه به تغییر شرایط، حتی گشایش سفارت مجازی یانکی‌ها در ایران و ارسال آیرون‌ساید «ترانس‌ژنیک» به تهران، دردی از «خداوندان» طویله مک‌کارتی دوا نخواهد کرد. این حضرات در تداوم عملیات قهرمانانه هیز اکسلنسی، «سایمون گاس»، برای سازمان دادن به یک کودتای «مردمی» دیگر با صورتک «انتخابات» خیز برداشته‌اند و بوق‌های‌شان کودتای کذا را به حساب «احمی» نوشته‌اند؛ مهرورزی هم صدالبته

انکار نمی‌کند. اصولاً تأیید «شایعات» بوق‌های آن ارتش مقدس و آدمخوار، به قول شیخ مسعود بهنود «رسم روزگار است!»

رسم روزگار چیست؟ اسلام! یعنی پذیرش بی‌چون‌وچرای «وضع موجود»، به عنوان اراده‌الهی! رسم روزگار یعنی تأیید وحشیگری، انسان‌ستیزی و جنایات ارتش ناتو. ارتشی که دیگر نمی‌تواند مانند دوران نورانی «جنگ سرد»، جنایات‌اش را به حساب مترسک‌های‌اش بنویسد و به عنوان مثال بمباران کردها با سلاح شیمیایی در حلبچه را به صدام حسین نسبت دهد، تا بتواند در میانمندی، با توسل به دروغ‌های مشتی «کارشناس» خود فروخته و جنجال رسانه‌ای، برای تهاجم نظامی به عراق زمینه مناسب فراهم آورد.

چقدر شرایط به دوران نورانی کودتای بلشویک‌ها شباهت پیدا کرده! هیتلر، موسولینی، لنین، چمبرلن و ... و خصوصاً آتاترک و کلنل میرپنج همه برگشته‌اند سرکارشان! با این تفاوت که «هیتلر» تغییر جنسیت داده و بجای لشکرکشی به یونان، از طریق بانک‌ها می‌خواهد این کشور را به زیر سم ستوران خود بیاندازد. موسولینی هم دیگر طاس و «کچل» نیست، کلی «مو» روی سرش کاشته؛ هر چند حسابی «مچل» شده. در فرانسه هم، نه مارشال پتن داریم، نه ژنرال دوگل. فردی به نام نیکولا سرکوزی به تنهایی هم پتن است و هم دوگل، و به «دنباله‌روی» فرانسه از آلمان بسیار «افتخار» می‌کند. آنهم آلمانی که از یک‌سو دستش زیر سنگ چین افتاده و از سوی دیگر نقش کنیز مطبخی روسیه را ایفا می‌کند. خلاصه اینروزها خیلی خبرها بود! اما مهم‌ترین خبر، «امان دادن» روسیه به ارتش ناتوست، باز هم به دلائل «نامعلوم!»

ارتش آدمخوار ناتو اعلام داشت، تا آخر ماه اکتبر از لیبی خارج می‌شود که ناگهان خبر رسید «مردم لیبی» از درگاه این ارتش «آزادی‌بخش» عاجزانه تقاضا دارند که بماند! در آزادی‌بخشی ارتش ناتو تردید روا نیست، این ارتش ملت‌ها را از قید زندگی

«آزاد» می‌کند. باری در پی ابراز تمایل ارتش کذا برای خروج از لیبی، روگزین، نماینده روسیه در سازمان ناتو اعلام داشت، در اینمورد «شورای امنیت» تصمیم می‌گیرد! اظهارات دیمیتری روگزین در سایت فرانسه زبان نووستی، مورخ ۲۷ اکتبر ۲۰۱۱ موجود است. ایشان به اعضای ناتو تلویحا «پیام» دادند، همانطور که با برخورداری از «تساهل و تسامح» ما وارد لیبی شدید، می‌توانید یکبار دیگر هم با «چرب کردن سبیل ما» از بزرگ‌منشی و چشم‌پوشی‌های سخاوتمندانه روسیه بهره‌مند شوید!

اینگونه بود که سازمان ناتو یک «فرستاده مخصوص» و مؤنث را با چند هزار کیلو «روغن کرمانشاهی» اصل به مسکو فرستاد و گویا روس‌ها روغن کرمانشاهی را برای طبخ «پیروشکی» و کیوسکی و «کی‌های» دیگر مناسب تشخیص دادند؛ خلاصه کی به کیه؟ دلائل‌اش مشخص نیست!

اینگونه بود که باز هم به «دلائل نامعلوم»، در تاریخ ۲۷ اکتبر ۲۰۱۱، اعضای شورای امنیت «یکدل و یکصدا» با خروج ارتش ناتو از لیبی موافقت کردند و این خبر بهجت اثر، یک روز پس از خبر انتصاب «دومینیک جان چیل‌کات»، سفیر علیاحضرت در ایران انتشار یافت. و باز هم به دلائل نامعلوم، همزمان با انتصاب «چیل‌کات»، یک اسکله نفتی در ایران به افتخار انفجار نائل آمد. به همچنین، به دلائل نامعلوم، در سازمان ملل خیلی خبرها بود! از جمله خبر مخالفت آمریکا و اسرائیل با رفع تحریم از کوبا!

سایت فرانسه زبان «نووستی»، مورخ ۲۵ اکتبر سالجاری به نقل از «رویترز» می‌نویسد، ۱۸۶ کشور، از جمله روسیه به طرح پایان تحریم‌ها علیه کوبا رأی مثبت دادند، سه کشور، که به نام آن‌ها اشاره نشده، به این طرح رأی ممتنع دادند، و مواضع آمریکا و اسرائیل هم که در مخالفت با ملت کوبا «عیان» است. در واکنش به طرح مذکور، هیلاری کلینتون اعلام داشت، «کاسترو باید برود!»

به یاد داریم که فیدل کاسترو در سال ۲۰۰۶ از مقام خود استعفا داد؛ اظهارات مضحک وزیر امور خارجه ایالات متحد که در صدای آمریکا، مورخ ۲۸ اکتبر سال جاری منتشر شده، در واقع حماقت بی‌کران این «دیپلمات» باتجربه را بازتاب می‌دهد. چرا که از یک‌سو، فیدل کاسترو از مقام خود استعفا داده، و از سوی دیگر اینکه چه کسی در کوبا، یا هر کشور دیگری بماند یا برود، به هیچ عنوان در حیطه اختیارات وزیر امور خارجه یانکی‌ها نیست. می‌بینیم که الاغ‌های طویله مک‌کارتی از قماش خمینی و اردوغان و شرکاء همه در مسیر هیلاری کلینتن گام برمی‌دارند.

خلاصه بگوئیم، وزیر امور خارجه آمریکا، همچون اسلافش پای از گلیسم خود درازتر کرده. با این تفاوت که وزیر امور خارجه یانکی‌ها، یکجانبه‌گرایی، مرز شکنی و نقض مقررات بین‌المللی را تحت عنوان حمایت آمریکا از «دمکراسی» مطرح می‌کند. حال آنکه جیره‌خواران عمو سام در کشورهای مسلمان‌نشین با توسل به مفاهیم گنگی همچون «حق» و «عدالت» و اسلام و اینگونه مزخرفات به لگدپرانی بر علیه ملت‌ها مشغول شده‌اند:

«هیلاری کلینتون [...] در جلسه کمیته نیروهای مسلح مجلس نمایندگان آمریکا [گفت] موضع ایالات متحده نسبت به کوبا [همان است که بیش از ۵۰ سال بوده] کاسترو باید برود [...] کلینتون [افزود] آمریکا خواهان دمکراسی برای کوبا است [...]»

از درج‌زدن، سکون و ایستائی مواضع یانکی‌ها شگفت زده نشویم؛ پویائی، زندگی و هرگونه حرکت به سوی آینده با فاشیسم در تضاد قرار می‌گیرد. مواضع هیتلر هم تغییرناپذیر بود. و اما خارج از ایران و دیگر کشورهای منطقه، «دمکراسی» مطلوب یانکی‌ها همان است که به قول هیلاری کلینتن «بیش از ۵۰ سال است» در شیلی، آرژانتین، ونزوئلا، کلمبیا و ... و دیگر کشورهای آمریکای لاتین اعمال شده و می‌شود. فقط کشور کوبا باقی مانده که از این «موهبت الهی» بی‌بهره است.

بین خودمان بماند، دلیل واقعی جیغ و فریاد هیلاری کلینتن این است که گاز پروم با همکاری «پتروناس» در بخش کوبائی خلیج

مکزیک به استخراج نفت مشغول شده! مشروح خبر فوق در سایت فارسی نووستی، مورخ ۱۰ مردادماه سالجاری موجود است. این عملیات به مذاق یانکی‌ها هیچ خوش نیامده، از اینرو یقه فیدل کاسترو را گرفته‌اند؛ تا بهانه‌ای برای گسترش تنش داشته باشند. به این ترتیب امکان سنگ‌اندازی در راه مذاکرات صلح «اسرائیل - فلسطین» گسترش خواهد یافت و نان اسرائیل و حکومت مرده‌شویان در روغن فراوان شناور خواهد شد. خلاصه در سایه این جنجال و هیاهو، جیمزباند، یعنی سفیر جدید بریتانیا می‌تواند با کمک زهراخانوم، جان تازه‌ای در کالبد حکومت پوسیده اسلامی بدمد و موسوی جلاد را به عنوان رهبر مخالفان حکومت به افکار عمومی حقه کند. در کمال تأسف این فیلم جیمزباند «تمام اسلامی» است و سناریوی فیلم «چیل‌کات» با فیلم‌های شون کانری تفاوت‌های چشم‌گیری نشان می‌دهد.

جیمزباند همیشه در رستوران یا کازینوهای لوکس با زنان شوخ و زیبا و خوش‌پوش سر و کار دارد، حال آنکه حضرت «چیل‌کات» می‌بایست «کنتاکی فراید چیکن» سق بزند، و زهراخانوم پیر و خیکی و بد ادا را با چادرسیا و روسری گل‌منگلی‌اش به عنوان «پرسوناژ کمکی» بپذیرد! خلاصه «مرگ سبزی است، تحفه درویش!» شاید به همین دلیل سفیر جدید بریتانیا در تصاویرش اینچنین «ماتم‌زده» بنظر می‌رسد؛ شاید هم ماتم ایشان به بازگشائی تئاتر «بولشوی» و پایان بولشویسم مرتبط باشد.

به گزارش سایت فرانسه زبان نووستی، مورخ ۲۸ اکتبر ۲۰۱۱، نمادهای «اتحاد شوروی» از «بولشوی» زدوده شده. روز گذشته، در مراسم بازگشائی این تئاتر، هنرمندان با لباس کارگران به صحنه آمدند؛ خلاصه کارگرپرستی هم نمایشی شد و به پایان رسید. ولی شاهدیم که جیمزباندبازی، همانند «قیام حسینی» همچنان ادامه دارد! امیدواریم «چیل‌کات» و زهراخانوم پس از لنباندن کنتاکی فراید چیکن، امت اسلام را از ظلم و ستم معاویه برهانند، و پایه‌های حکومت «چیکن‌کات» را مستحکم کنند؛ هرچند در زبان عربی حرف «چ» وجود ندارد!